گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۴۵۳۷۷۰
دوشنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۰ ۱۳:۲۲

عباس سلیمی نمین:

دولت نمی تواند بلدوزر وار همه مشکلات را حل کند

پایگاه رأی اصولگرایان قطعا، ۴۸ درصد نیست، بخش قابل توجهی از این ۴۸ درصدی که رای دادند متعلق به قشر غیرسیاسی جامعه هستند و این قشر غیرسیاسی نسبت به آقای رئیسی، نوعی مثبت‌اندیشی دارد و یا حداقل آقای رئیسی را قابل تأمل می‌بیند و فکر می‌کند آقای رئیسی می‌تواند بر مشکلات فائق آید. آنچه که بر این قضیه صحه می‌گذارد تلاش آقای رئیسی در همین مدت زمان کوتاه است.

به گزارش خبرنگاران جامعه گزارش خبر، عباس سلیمی نمین از چهره های سیاسی اصولگرا بر این باور است که اصلاح طلبان باید منتقد باشند ابتدا فرصتی به دولت بدهند تا خودش را نشان دهد انتقاد هیچ ایرادی ندارد. یقینا به حاشیه رانده نخواهند شد چون اراده ای در این قضیه وجود ندارد. ماه عسل دولت و مجلس، دردسرهای تندروها برای رئیسی، سهم خواهی‌ها، به حاشیه رفتن یا فعال شدن اصلاح طلبان در دولت رئیسی، امتیازگیری برخی نمایندگان از وزرای ضعیف و …. اینها موضوعاتی است با عباس سلیمی نمین از چهره های سیاسی اصولگرا در میان گذاشته ایم و نظرش را در این باره جویا شده ایم. او در این گفت و گو ، نگاه مثبتی به سفرهای رئیسی به ویژه سفر به خوزستان دارد و می گوید این سفرها می تواند آرامش را به محیط ملتهب ببخشد.

این چهره سیاسی اصولگرا بر این باور است که رئیسی برخلاف خواست و نظر تندروها از اصلاح‌طلبان نظرخواهی کرد. او اشاره می کند که قطعا در آینده، گشایش هایی صورت می گیرد اما در عین حال دولت نمی تواند بلدوزر وار همه مشکلات را حل کند.

آقای سلیمی‌نمین! آیا دولت رئیسی، مستعد این است که در بحث‌های معیشتی، شاهد یک سری اعتراضات مردم باشیم؟ الان به نظر می رسد که مردم از این وضعیت ناراضی هستند و احساس می کنند که در ماه‌های آینده یا در چند ماه آینده وضعیت به همین منوال خواهد بود و تغییری رخ نمی دهد. آیا ممکن است از جانب مردم اعتراضاتی رخ دهد؟

من معتقدم برخلاف نظر جریانات سیاسی که فقط منافع خودشان را در نظر می گیرند مردم برای دولت آقای رئیسی، یک فرصت منطقی و معقولی را قائل باشند که بتواند در زمینه حل مشکلاتشان گام‌های مؤثری بردارد. حتی کسانی که به آقای رئیسی رأی ندادند حداقل در این مساله تا حدی برای آقای رئیسی صداقتی، قائل هستند که در واقع خود را در انتخابات هم نشان داد.

پایگاه رأی اصولگرایان قطعا، ۴۸ درصد نیست، بخش قابل توجهی از این ۴۸ درصدی که رای دادند متعلق به قشر غیرسیاسی جامعه هستند و این قشر غیرسیاسی نسبت به آقای رئیسی، نوعی مثبت‌اندیشی دارد و یا حداقل آقای رئیسی را قابل تأمل می‌بیند و فکر می‌کند آقای رئیسی می‌تواند بر مشکلات فائق آید. آنچه که بر این قضیه صحه می‌گذارد تلاش آقای رئیسی در همین مدت زمان کوتاه است. اینکه آقای رئیسی به سفر خوزستان می‌رود و تلاش می‌کند فردی را به عنوان استاندار انتخاب کند تا بتواند تلاش فوق‌العاده‌ای را برای مردم آن منطقه به انجام برساند، به نوبه خود، آرامش خاصی را به آن محیط ملتهب می‌بخشد.

بعد از انجام این سفرها چطور؟ چقدر نتیجه این سفرها برای آقای رئیس و دولت ایشان مهم است؟ رهبری هم اخیرا به این قضیه اشاره کردند که اگر مردم ببینند وعده‌های داده شده اجرا نمی‌شود واکنش نشان می‌دهند

قطعا همین طور است. من تفاوت آقای رئیسی با دیگران را در این مسئله می‌بینم یعنی آقای رئیسی، فردی نیست که مثلا یک سفری برود و بعد فراموش کند و قضیه را پیگیری نکند. من فکر می‌کنم آقای رئیسی این انگیزه را دارد که خودش را به خطر اندازد و به محیط‌های آلوده ناشی از ویروس کرونا برود تا بتواند یک کار مؤثری را برای هموطنانش انجام دهد. در عین حال رهبری هم این تذکر را می‌دهند که فکر نکنید مسائل جامعه با شعار قابل حل خواهد بود از این رو حتما باید به طور جدی، عمل در پشت شعار باشد. دولت آقای رئیسی یک ویژگی‌های دیگری هم دارد و آن فداکاری است، وقتی رئیس‌جمهور به محیط آلوده می‌رود یعنی این آمادگی را دارد که خودش بیمار شود و جان خودش را به خطر اندازد.

رئیسی آماده است هزینه کند تا به جامعه خدمتی انجام دهد/فداکاری رئیسی باید با عقلانیت همراه باشداگر این کار را قبل از ریاست‌جمهوری‌اش انجام می‌داد، می‎گفتند می‌خواهد مردم را با خودش همراه کند در حالی که ایشان الان رئیس‌جمهور است و این کار را انجام می‌دهد. بنابراین این کار رئیسی، بدین معنا است که خودش آمادگی این را دارد که هزینه ایجاد کند تا خدمتی به جامعه ارائه بدهد و این بسیار مهم است. من فکر می‌کنم آقای رئیسی و دولتمردانش، این آمادگی ایثار و فداکاری را دارند و آنچه که به نظر من رهبری تذکر دادند، این است که این آمادگی برای فداکاری باید با عقلانیت همراه باشد، یعنی در این قضیه، ارزیابی این گونه نبود که مثلا این دولت انگیزه برای کار کردن برای جامعه ندارد؛ چرا که انگیزه آن قوی است. من فکر می‌کنم تنها چیزی که شاید مورد غفلت قرار گیرد شاید همان مشورت و استفاده از عقل جمعی برای مسائل بسیار پیچیده اقتصادی، عمرانی، اجتماعی و فرهنگی است که امیدوارم این تذکر با توجه و استقبال دولت مواجه شود و این آقایان بتوانند این دو مساله را باهم جمع کنند یا حداقل اینها را از هم قابل تفکیک ندانند.

به نظر شما الان تندروها می‌توانند دردسری برای دولت آقای رئیسی ایجاد کنند؟

آقای رئیسی، امتیازات دیگری هم دارد و آن امتیاز، این است که در حال حاضر یک همفکری در بین سه قوه وجود دارد و یا حداقل در سطوح کلان سه قوه، همفکری وجود دارد؛ چون ممکن است در سطوح پایینی مجلس، این هماهنگی، چندان حاصل نشود ولی در سطوح کلان سه قوه یک نوع هم آوایی و همفکری وجود دارد که ما باید برای جبران مافات، تلاش فوق‌العاده‌ای انجام دهیم. این همفکری و نزدیک بودن دیدگاه، کارها را تسهیل خواهد که امتیاز بسیار خوبی است یعنی نه تنها این قوای مختلف، نیروهای یکدیگر را به سمت هرز و نابودی نخواهند برد بلکه نیروهای یکدیگر را تقویت خواهند کرد. بنابراین مسیر برای آقای رئیسی هموار خواهد بود.

ممکن است برخی از نمایندگان به دنبال امتیازگیری باشند ؟

مطمئن باشید اگر مجلس در توانش باشد از ایشان پشتیبانی مالی به عمل خواهد آورد یعنی به لحاظ قانونی مشکل نخواهد بود و کارشکنی نخواهد داشت. این بدین معنا نیست که برخی از نمایندگان به دنبال امتیازگیری و .. نباشند، بحث ما در سطح کلان است چراکه در سطح خُرد، ممکن است بعضی از نمایندگان، به دنبال فرصت‌طلبی‌های خودشان از دولت باشند و از دولت به نفع خودشان امتیاز بگیرند.

بنابراین آقای رئیسی از این امتیاز برخوردار است که در گام‌هایی که در مسیر حل مشکلات جامعه است هم پشتیبانی حقوقی و هم پشتیبانی قانونی

خواهد شد، پس این امتیاز را هم داریم. حال اینکه آیا نیروهای تندرو می‌توانند برای آقای رئیسی مشکل ایجاد کنند؟ باید بگویم خیر، آنها نمی‌توانند دردسری برای آقای رئیسی ایجاد کنند چون چهره آقای رئیسی دارای یک سری مختصات است که این امر برای آنها بسیار مشکل است.
این دردسر ایجاد کردن آنها برای رئیسی را، از این بابت می‌گویم که امید زیادی به سهم گرفتن داشتند
سهم گرفتن متکی به ضعف‌ها است. درواقع زمانی رئیسی مجبور است سهم بدهد که ضعف دارد.
از این رو در مسائل سیاسی این قضیه، حرف اول را می زند. بحث دیگر، ممکن است مشارکت دادن همه بخش‌های جامعه باشد از این رو به همین می‌گویند تلاش کنید یک وزیر هم از اصلاح‌طلبان باشد که این مشارکت دادن همه بخش‌ها است که در اصولگرایی بخش‌های مختلف را مشارکت دهند، اما یک موقع است که بر اساس منافع یک گروه خاصی به یک سری از افراد امتیاز می‌دهند که من فکر می‌کنم آقای رئیسی این گونه عمل نخواهد کرد یعنی قادر نخواهند بود از او امتیازی بگیرند چون ضعفی از او ندارند که بگویند مثلا شما فلان ضعف را در زمینه مسائل اقتصادی دارید بنابراین برای اینکه ما به این ضعف‌ها نپردازیم باید در یک جاهایی به ما امتیاز دهید.
مثلا وقتی یک نماینده می‌خواهد امتیاز بگیرد، از وزیری امتیاز می‌گیرد که ضعف دارد یا در برخی بخش‌ها دارای یک عملکرد نامطلوب است، در نتیجه آن نماینده برای اینکه از آن ضعف، چشم بپوشد و آن را نادیده بگیرد، امتیازی را دریافت می‌کند ولی به نظر من آقای رئیسی در این زمینه، بسیار به نیروهای تندرو بها نخواهد داد کما اینکه مواضعی که اتخاذ کرده در بسیاری از زمینه‌ها چه به رسمیت شناختن نیروهای اصلاح طلب، همینطور بوده است؛ چون بسیاری از نیروهای تندرو اصولگرا می‌گویند اینها هیچ تعلقی به انقلاب و ارزش‌های دینی ندارند و باید کنار گذاشته شوند ولی وقتی آقای رئیسی آنها را به رسمیت می شناسد و با آنها وارد گفتگو می‌شود و از آنها برای پیشبرد امور نظرخواهی می‌کند یعنی اینکه کاملا آنها را در چهارچوب نظام می‌بیند و این با مواضع نیروهای تندرو بسیار متفاوت است، یا مثلا نیروهای تندرو، برجام را یک نوع خیانت و خارج شدن از چهارچوب‌ها تلقی کرده و می‌کنند ولی آقای رئیسی چنین چیزی را با صراحت و شجاعت سیاسی بیان می‌کند و صدای آنها (نیروهای تندرو) هم در این وادی چندان در نمی‌آید چون دیگر آقای روحانی نیست که بتوانند در این زمینه هم به مصاف مواضع او بروند چون آقای روحانی ضعف‌های دیگری در بخش‌های دیگر جامعه داشت در زمینه‌های مختلف با او در تقابل بودند اما در مورد آقای رئیسی نمی‌توانند این گونه عمل کنند.
رئیسی باید نسبت به وزرای کابینه‌اش هوشیارانه برخورد کند
البته اینکه در آینده، این وزرا چگونه عمل خواهند کرد، این یک پدیده دیگری است که اگر اتفاقاتی در این زمینه رخ دهد که چندان مطلوب نباشد، می تواند جای خودش را باز کند، اما در حال حاضر خیر؛ امیدوارم آقای رئیسی در زمان مشخص نسبت به وزاریی که ممکن است به وادی امتیاز دهی بیفتند، هشیار باشد و آنها را تغییر دهد چون اگر کسی در میدان عمل ضعیف باشد طبیعتا به امتیاز دهی قادر خواهد شد(برای اینکه به ضعفش پوشش دهد و یا ضعف‌هایش را پنهان کند)، امیدوار هستم که آقای رئیسی تدبیری برای این مطلب اندیشیده باشند.
به نظر شما چینش کابینه امیدوارکننده است که به سرعت و به صورت بولدوزر همه مشکلات را رفع و رجوع کند؟
طرح این مساله که دولت بتواند مانند بولدوزر، مسائل را حل کند، درست نیست چون طرح چنین چیزی نه منطقی و نه عملی است. مشکلات متناسب با امکانات ما نیست یعنی امکانات ما بی‌حد و حصر نیست، البته در آینده قطعا گشایش‌هایی صورت خواهد گرفت اما الان امکانات ما بسیار محدود است از این رو گام برداشتن بر اساس این امکانات محدود، این گونه خواهد بود که ما به تدریج بتوانیم بر مشکلات فائق آییم منتهی باید به بعضی از کارها اولویت داد. امروز حجمی از مشکلات پیش روی ما است و باید به برخی از اینها که از مسائل اساسی و کلیدی جامعه است اولویت بدهیم و در واقع باید از نزاع‌های کاذبی که در جامعه مان وجود دارد بکاهیم و همه توانمان را در مسیر حل مشکلات مبرم جامعه بگذاریم.
یکی از مشکلات مبرم جامعه، بحث کرونا است. عده‌ای تلاش می‌کنند این مسئله را مخدوش کنند یا اجازه ندهند جامعه ما در این مسیر گام بردارد. رهبری، بحثی را مطرح کردند مبنی بر اینکه ما اعتقادی به انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها در این زمینه نداریم. ما هم تجربیات تاریخی از جمله جنگ جهانی را داریم که انگلیسی‌ها به صورت عمدی، بیماری‌هایی را در ایران رواج دادند، قحطی به وجود آوردند و جمعیت ایران را به نصف رساندند. به بیان دیگر ما در قطحی کاذبی که انگلیسی‌ها ایجاد کردند نیمی از جمعیت مان را از دست دادیم و نیمی دیگر از جمعیت مان هم جمعیت ضعیف‌البنیه‌ای شدند یعنی به لحاظ جسمی، یک ملتِ بیمارِ ضعیف شدند.
انگلیسی‌ها توانستند در جنگ جهانی، ضربه مهلکی به ما بزنند
آنهایی هم که از قحطی، جان سالم به در بردند این گونه نبود که افراد تنومندِ قوی باشند. بنابراین انگلیسی‌ها توانستند در جنگ جهانی، ضربه مهلکی به ما بزنند. در نتیجه این سابق را در کارنامه‌شان دارند. در نتیجه رهبری باید تذکری می‌دادند که مبادا آنها در این قضیه، یک سری اقداماتی برای تضعیف ملت ما انجام دهند؛ این سابقه تاریخی شان بوده است. سابقه اخیرشان هم این است که فرانسوی‌ها خون آلوده به ایران دادند و مشکلات جدی برای ما ایجاد کردند. آنچه که در حال حاضر حائز اهمیت است این است که آیا واقعا در زمینه مقابله با کرونا، آنها آمادگی کمک به ما را دارند؟ واقعیت پشت پرده این است که این گونه نیست.
یکی از عواملی که در تهیه واکسن، موثر است، ژل است. یعنی وقتی، فرمول را کشف کردید و می‌خواهید تولید انبوه داشته باشید، ژل بسیار مهم است ژلی که در آن ویروس را در آن کِشت می‌کنند. آمریکایی‌ها با تمام توان تلاش می‌کنند که ایران نتواند از بازار جهانی، این ژل را تهیه کند چون انحصارش در اختیار آنها است بنابراین اگر مسائل انسانی برایشان مهم است نباید محدودیت‌های این چنینی برای ما بگذارند و در واقع اجازه دهند ژل را تهیه کنیم تا بتوانیم خودمان واکسن تامین کنیم.
ضربه زدن آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها به ایران توهّم نیست
در واقع یکی از دلایلی که چند موسسه داخل کشور که قول داده بودند واکسن لازم را تامین کنند، نتوانستند موفق شوند کارشکنی جدی آمریکا در این قضیه است که حتی به صورت غیرمستقیم هم ما نتوانیم از کشورهای ثالث تهیه کنیم. به رغم همه اینها ما در حال عبور از این مرحله هستیم دیر یا زود ما قادر خواهیم بود این مسئله را حل کنیم. در واقع اگر متکی به توان خودمان نبودیم معلوم نبود چه اتفاقاتی برای ما رخ می دهد. تذکر رهبری در این مقطع از نظر بنده لازم بود، داده شود که مبادا در این شرایط ویژه، آنها یک رذالت‌هایی انجام دهند که این رذالت‌ها در عالم معنا صورت می گیرد نه در عالم خیال. یعنی این گونه نیست که ما توهّم داشته باشیم که اینها ممکن است از این طریق به ما ضربه وارد کنند چراکه هم به لحاظ تاریخی و هم به لحاظ عملکردشان در سال‌های اخیر، نمی توان فراموش کرد که آنها از روی عمد در جهت تضعیف ما گام برداشته اند.
اولویت اصلی رئیسی، مقابله با کرونا است
بنابراین فکر می کنم اولویت اصلی برای آقای رئیسی، بحث مقابله با کرونا خواهد بود اگر بتوانیم به توان داخل، اکتفا کنیم حتی المقدور می‌توانیم برخی کاستی‌هایمان را از سایر کشورها تامین کنیم تا بتوانیم هر چه سریعتر، تاثیرات کرونا را بر اقتصادمان به حداقل ممکن برسانیم چون بسیاری از مشکلات اقتصادی، به این دلیل است که بخش‌های مختلف به صورت کامل فعالیت ندارند و فعالیت ناقص آنها موجب می‌شود که تولید محصولات گرانتر تمام شود یا هزینه خدماتشان به جامعه را با افزایش قیمت‌ها بالا می‌برند. اگر تولید و فعالیت های اقتصاد رونق بگیرد و به حال عادی اش بازگردد طبیعی است که تاثیرش را روی اقتصاد می گذارد. ما در مسائل منطقه ای و بین المللی، سیاستهایی را براساس رشد و توسعه اتخاذ کرده ایم که

آنها هم در جای خود، اقتصاد جامعه را تقویت خواهد کرد.
در چینش کابینه رئیسی جابه جایی‌هایی صورت گرفته است
یک عبارتی یکی از مخالفان کابینه داشت که افراد جابجا چینش شده اند مثلا همه انتظار داشتند رستم قاسمی به وزارت نفت برود و گویا خودش همین انتظار را داشت و اشتباه لفظی پیش آمد اما به وزارت راه رفت. نظر شما چیست؟
من قبول دارم که در چینش کابینه، جابه جایی صورت گرفته است. نه تنها به بحث که شما به آن اشاره کردید مثلا آقای علی آبادی قرار بود تا لحظات آخر، ایشان وزیر شود که فرد قدرتمندی است اما به دلایلی که هنوز برای من روشن نیست این تغییر رخ داد. ایشان قرار بود وزیر صمت شود اما تصمیم تغییر کرد. در مورد آقای اسلامی هم قرار بود در جایگاه راه و شهرسازی بماند. وزیر دفاع قرار بود که در جایگاهشان باقی بمانند اما در آخرین لحظات تغییر کردند. حال چه عاملی موجب شد بحث دیگری است. اینکه حالا افرادی که آمدند و جای آنها را گرفته‌اند آیا می‌توانند قابلیت های لازم را از خودشان نشان بدهند این تا حدودی برای ما مبهم است.
امیدوارم مشورت و استفاده از عقل جمعی با استقبال دولت مواجه شود
یعنی بهتر بود آقای رستم قاسمی به وزارت نفت می رفت؟
آقای رستم قاسمی در زمینه مسائل کلان نفت، کارنامه و سوابق چندان تخصصی ندارد در زمینه فروش ممکن است سابقه داشته باشد ایشان در زمان تحریم در زمینه فروش توانسته کارنامه خوبی در زمینه فروش از خودش ارائه بدهد اما در زمینه توسعه نفت و سیاست گذاری کلان نفت، کارنامه چندان درخشانی ندارد که بگوییم ایشان در وزارت نفت نباشد نقصان جدی باشد.
آقای سلیمی نمین! غیبت برخی طیف های اصولگرایی مثل اصولگرایان سنتی جامعه روحانیت یا جبهه پیروان به نظر شما چه سیگنالی می دهد؟ احتمال دلخوری این طیف وجود دارد؟
من این را باور ندارم به هر حال برخی از نیروهای آنها در جاهایی به کار گرفته شدند اگر در وزارت نبوده، در معاونت ها به کار گرفته شدند. برخی از کاندیداها و نیروهای معرفی شده از سوی آنها در برخی جاها به کار گرفته شدند.
*حضور وزیر دولت روحانی در جایگاه معاونت دولت رئیسی چه پیامی دارد؟
قرار بود حضور برخی وزرای دولت روحانی، وسیع تر باشد این بدین معنا نیست که آقای رئیسی چندان به صورت گروهی و جریانی عمل نمی کند بلکه تمایل دارد فراگیرتر عمل کند و این اعتماد را در همه بخش های جامعه به وجود آورد به گونه ای اگر استعدادی باشد به کار گرفته شود. این نکته بسیار مهم است که ما یک برخورد حزبی و گروهی نداشته باشیم ایشان این گونه نیست که اگر فردی در کابینه آقای روحانی بوده باشد به آن نگاه حزبی داشته باشد. این نگاه در گذشته متاسفانه وجود نداشته و موجب لطمات بسیاری شده است در واقع این تلقی ایجاد می شد که اگر جریانی رفت و جریان دیگری روی کار آمد باید همه افراد مربوط به آن جریان را قلع و قمع کند.
این تغییر نگرش برای ما آثار مثبتی خواهد داشت کما اینکه این آثار مثبت را در نقل و انتقال قدرت شاهد بودیم یعنی معارفه ها و تودیع ها به خوبی صورت گرفته است و همراه با قهر و تُندی و عدم حضور نیست. وزیر قبلی به وزیر جدید می گوید اگر اراده کنید حاضرم تجاربم را در اختیارتان بگذارم یا هر سوالی داشته باشید پاسخ دهم. این ناشی از نوع نگاه آقای رئیسی است که باعث این تغییر نگرش در جامعه شده است اینکه نقل و انتقال قدرت هم با آرامی و هم با فرهیختگی صورت می‌گیرد.
نقش آقای روحانی هم در این میان چقدر تاثیرگذار بوده است؟
ایشان هم برخورد خوبی داشت به ویژه آقای ظریف در این زمینه به خوبی عمل کرد یعنی به بسیاری از وزرای خارجه نامه نوشت که من ایشان را قبول دارم و بعد از من، آقای امیرعبداللهیان فرد بسیار شایسته ای است. هم در داخل وزارتخانه و هم در خارج از وزارتخانه، رفتار بسیار فرهیخته ای داشت.
وزیر جدید هم اعلام کرد که بسیاری از مسائل را از آقای ظریف آموخته است. در واقع این نوع مشایعت و همراهی و تغییر، گام بسیار خوبی است چون قبلا این گونه بود وقتی یک وزیر می رفت با قهر می رفت گویا کودتا شده است در نتیجه انتقال تجربه اصلا صورت نمی گرفت و یک نوع تخاصم وجود داشت. این تخاصم موجب می شد که آثار وزیر قبلی از بین می رفت تا نشانی از آن نباشد. اما الان وقتی وزیر جدید می گوید وزیر قبلی را قبول دارم و از آن بسیاری آموختم، دیگر آن تخاصم ایجاد نمی شود و این گونه نیست که بخواهد آثار وزیر قبلی را از بین ببرد. متاسفانه این فرهنگ و جا انداختند اگر ما پیروز شدیم گویا انقلاب کردیم و پیروز شدیم.
بارها گفتم وقتی دوم خرداد رخ داد اصلاح طلبان ، نام آن را جنبش گذاشتند مثل جنبش تنباکو که علیه یک مسئله ای قیام کردند و پیروز شدند و به تعبیری همه قلیان ها را بزنند بشکنند. جنبش یعنی یک کار غیرمتعارف صورت گرفته نه یک کار قانونی.
کار قانونی این است که تا دیروز فلانی براساس قانون روی کار بوده، امروز فرد دیگری روی کار می آید. یعنی بسیار دوستانه، طبق قانون، مدت حضور یک فرد در یک جایگاه به اتمام رسیده و پس از آن فرد دیگری روی کار می آید. چرا باید جنبش بگوییم؟ براساس رأی صندوق فردی انتخاب شده است بنابراین هیچ جنبش و انقلابی صورت نگرفته است اما برخی از جریانات سیاسی برای اینکه آشتی در داخل کشور وجود نداشته باشد آمدند یک مسئله ای جا انداختند که گویا با جریان مقابل، پدرکُشتگی دارند و تخاصم دارند.
دود این تخاصم به چشم مردم می رود. اگر توان اینها با هم جمع شود یک نوع بازتاب و دستاورد برای جامعه خواهد داشت اگر در تخاصم باشد یک سری آسیب ها برای جامعه خواهد داشت. این رفتار آقای رئیسی که از روزنامه نگاران اصلاح طلب دعوت کردند، نامه نوشتند و یا به شخصیت های اصلاح طلب نامه نوشتند که اگر حرفی دارید مطرح کنید، تاثیرش را در کابینه گذاشت. البته ایشان می خواستند گام بلندتری بردارد که برخی نیروهای تندرو، این روند را برای ایشان کُند کردند وگرنه ،آقای رئیسی گام های بیشتری در این زمینه برمی داشت. از نگاه من در این حد هم برای جامعه تحول ایجاد کرد که هزینه های تغییرات در جامعه را کم کرد. یعنی احساس نمی کنیم که انقلاب شده و ما آمدیم. سوال این است که چرا برخی این خصومت را ترویج کردند؟ برخی می‌خواستند که ما روابط مثبتی با دشمنانمان داشته باشیم و دشمن را در داخل تعریف کنیم. در واقع اگر ما یک جریان سیاسی باشیم قطعا دوستان و مخالفانی داریم. اینها مخالفان خودشان را جریان رقیب داخلی تعریف کردند در حالی که همه ما که در مسیر منافع ملت گام بر می داریم اسرائیل را دشمن خودمان می دانیم چون آن نمی خواهد ایران و هیچ کشور منطقه پیشرفت کند. بنابراین دانشمندان مصری، عراقی و کشورهای اسلامی را ترور می کند چون اسرائیل دشمن همه کشورهای منطقه است و نمی خواهد تسلطش بر منطقه از طریق رشد کشورهای منطقه به چالش کشیده شود.
وقتی عده ای می خواهند اسرائیل را به عنوان دشمن پاک کنند باید یک دشمنی در ازای آن پیش روی خودشن قرار دهند متاسفانه جریان سیاسی رقیب خود را دشمن تلقی کردند مبنی بر اینکه نمی توان با آنها مذاکره کرد یا نباید با آنها رابطه داشت، آنها ضد بشریت و ضد همه خوبی‌ها هستند. یک تخاصمی بین جریانات سیاسی ایجاد کردند که تخاصم کاذبی بود.
یعنی می‌فرمایید عده ای در دو جریان اصولگرایی و اصلاح طلبی، خصومت و تندروی را ترویج می‌کنند
در هر دو گروه این گونه است. هم آقای رئیسی، در مورد اینها مشکل دارد و هم جریان مقابل، که می خواهند حذف کنند. در جریان اصلاح طلبی،

افرادی هستند که چهره های شاخص آنها با شاخص های بیرونی تنظیم می شود در بین نیروهای اصلاح طلب، افراد صادق و دلسوزی هستند دلیل نمی شود که ما این استعدادها و قابلیت‌ها را از مردم بگیریم و به رسمیت نشناسیم.
در جریان اصولگرا هم یک سری افراد فرصت طلب و کوته نظر هستند اما یک سری افراد سالم و دلسوز هم حضور دارند. بنابراین چرا باید بین دو جریانی که دلسوز هستند چه در اصلاح طلب و چه در اصولگرا، ارتباط منطقی وجود نداشته باشد. چه کسانی آمدند این ارتباط را خصمانه کردند و با چه هدفی خصمانه کردند؟ آیا امروز دولت آقای رئیسی در این وادی، برای اینکه خصومت را کم کند گام های موثری برداشته است؟ از نگاه بنده گام های بسیار خوب و موثری برداشته است و نیروهای اصلاح طلب باید خودشان نیروهای تندرویشان را مهار کنند تا آن مسیری که توسط آقای رئیسی گشوده شده است را بازتر و هموار تر شود. این اقدام منوط به این مسئله است که طرف مقابل از این قضیه استقبال کند و روابط را روابط انسانی قرار دهد. مردم وقتی به کسی رأی دادند ما باید آرزو کنیم که آن فرد موفق باشد ولواینکه خودش دارای ضعف های چشمگیر باشد. بنابراین باید آرزو کنیم که آن فرد موفق شود چون موفقیت آن فرد در جیب مردم قرار می گیرد اگر او بتواند کارخانه ای راه بیندازد یا صنعتی را به وجود بیاورد یا نوآوری و خدماتی داشته باشد این خدمات در جیب مردم قرار می گیرد.
آرزوی یکایک کسانی که به ملت ایران می اندیشند این است که این چرخش قدرت کم هزینه شود و هم دوستی و تعامل بین جریاناتی که هر کدام راه حلی برای اداره جامعه دارند ایجاد شود. کسانی که نمی خواهند این تعامل وجود داشته باشد باید به حاشیه بروند نه اینکه حذف شوند. ما حق نداریم آنها را حذف کنیم اما آنها نباید تعیین کننده باشند که بر طبل خصومت بکوبند اگر هم بر طبل خصومت کوبیدند آنچنان در حاشیه باشند که نتوانند تاثیر بگذارند. این شجاعت را آقای رئیسی داشته و امیدوارم جریان مقابل از این شجاعت استقبال کند که تا حدود زیادی هم استقبال کردند و این حرکت را در آینده می توان به صورت عملی نه شعاری تقویت کرد. دو دانشمند را نمی بینیم که با هم دشمنی کنند هر کدام یک نظر جداگانه ارائه می کنند دلیلی ندارد این دو با هم دشمن شوند چراکه راه حل های آن دو برای بهبود جامعه ارائه می دهند، برای پیشبرد جامعه، راه حل ارائه می دهند. اگر جریانات سیاسی تفکرات مختلف دارند در چارچوب تفکرات مختلف خودشان باید بتوانند ارتباط انسانی برقرار کنند که موجب سرعت بخشیدن به پیشرفت جامعه شود در آینده روز به روز این رشد فرهنگی بیشتر خواهد شد. ما به خاطر دشمنی های دو جریان سیاسی هزینه های بسیاری می دهیم.
**وضعیت اصلاح طلبان را در ۴ سال پیش رو چطور ارزیابی می کنید؟ منتقد؟ ساکت یا …
اصلاح طلبان باید منتقد باشند ابتدا فرصتی به دولت بدهند تا خودش را نشان دهد انتقاد هیچ ایرادی ندارد. یقینا به حاشیه رانده نخواهند شد چون اراده ای در این قضیه وجود ندارد بلکه برعکس این اراده وجود دارد که نیروهای سالم اصلاح طلب در متن جامعه فعال باشند چون فعال شدن آنها موجب تقویت فکر و اندیشه در جامعه می شود.
استفاده زیاد از مدیران و وزرای احمدی نژاد برای خود شما قابل پیش بینی بود یا شوکه شدید؟
نباید انتظار داشته باشیم که انسان از فضا آورده شود یقینا کسانی باید باشند که یا در دولت روحانی بوده باشند یا در دولت احمدی نژاد. به ویژه اگر بخواهیم جوان انتخاب کنیم چون هر چه عقب تر برویم نیروهای مسن را شاهدیم. نیروهای دولت آقای هاشمی رفسنجانی و آقای خاتمی جزو نیروهای مُسن هستند.
بنابراین حضور وزرای احمدی نژاد در این دولت بدین معنا نیست که تمایل به آقای احمدی‌نژاد داشته باشند بسیاری از وزرای احمدی نژاد در دولت دوم در تقابل با وی قرار گرفتند. وقتی مشخص شد آقای احمدی نژاد، دیگر دغدغه مردم را ندارد و اگر به مردم می رسد به دنبال این است که به نوعی مردم را در خدمت خودش بگیرد تا در قدرت بماند، وقتی این تلقی ایجاد شد و این ذهنیت شکل گرفت بسیاری از وزرای ارزشمند کابینه احمدی نژاد از اطراف وی پراکنده شدند. حال این بدین معنا نیست کسانی که با آقای احمدی نژاد در دوره ای همکاری کردند همفکر ایشان بوده باشد. این بحث برای من شوک آور نبود چون بسیاری از افرادی که یک زمانی در کنار آقای احمدی نژاد بودند بعدها منتقد جدی ایشان شدند و به شدت در برابر ایشان ایستادگی کردند.
*آقای سلیمی چقدر احتمال می دهید که یک طیف منتقد دولت از درون جریان اصولگرایی سر برآورد، مشابه آنچه در دولت احمدی نژاد و مجلس هفتم شاهد بودیم؟
هر امری ممکن است بستگی به عملکرد آقای رئیسی دارند اگر آقای رئیسی یقینا غفلت هایی داشته باشد جریان اصولگرا، غفلت های وی را نادیده نمی گیرد دلیل هم ندارد نادیده بگیرد به هر حال غفلت موجب ضربه زدن به منافع عمومی جامعه می شود طبیعتا اگر ایشان غفلت نداشته باشند و هوشمندی داشته باشد و وزرای خودش را کنترل کند، بازرسی جدی داشته باشد و بتواند جلوی آفت ها را بگیرد، نباید در جایگاه نقد قرار بگیرد. اگر غفلتی صورت گرفت هم اصولگرایان و هم اصلاح طلبان در مقام نقد او قرار بگیرند. قرار نیست که ما در قامت آقای رئیسی قرار بگیریم تا کشور را فقط از منظر ایشان ببینیم. ما کشور را از منظردیگری می بینیم. اگر آقای رئیسی در آن مسیر فعال و موثر بود همراه می شویم اما اگر در آن مسیر غفلتی صورت گرفت یقینا نادیده نمی گیریم.